

ویژگی‌های سیاست‌گذاری مطلوب جمعیت در ایران

کرامت اسماعیل نوده فراهانی*

عباس مقامی**

مهدیه کاظمی تکلیمی***

چکیده

در این مقاله، دیدگاه‌های مطرح‌شده پیرامون «افزایش جمعیت» در قالب رویکردهای سه‌گانه «افزایش جمعیت به‌مثابه افزایش جویندگان رفاه»، «افزایش جمعیت به‌مثابه افزایش نیروی انسانی در خدمت توسعه» و «افزایش جمعیت به‌مثابه افزایش مسلمانان یا شیعیان» طبقه‌بندی شده است. سپس برای صورت‌بندی سیاست‌گذاری مطلوب جمعیت در ایران، از نوعی مطالعه تطبیقی - تاریخی بهره‌برده‌ایم. بنابراین، بررسی اجمالی برخی رویکردهای موجود در سیاست‌گذاری جمعیت، از جمله در انگلیس، هند، ترکیه، فلسطین اشغالی و لبنان و همچنین مروری تاریخی بر سیاست‌های جمعیتی پس از انقلاب اسلامی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۴ و سرانجام، بررسی علل عدم توفیق رویکرد اصلاحی دولت نهم و دهم با عنایت به سایر سیاست‌های مؤثر بر مقوله جمعیت در ایران، از جمله سیاست‌های آموزش عالی، سیاست‌های کلان اقتصادی و... بخش‌های کلیدی این مقاله را تشکیل داده است.

یافته این پژوهش با تأکید بر سه گزاره تناقض‌آمیز ذیل برجسته شده است: ۱. جمعیت ایران باید افزایش یابد؛ ۲. جمعیت پایتخت باید کاهش یابد؛ ۳. سیاست تمرکززدایی توفیقی نداشته است.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌گذاری جمعیت، رشد جمعیت، جمعیت ایران، دهه پیشرفت و عدالت.

مقدمه

برنامه‌ریزی تجلی یافت، آغاز شد (همان). سیاست‌گذاری جمعیت پس از انقلاب اسلامی نیز، مسیر پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است و از مخالفت با تنظیم خانواده و افزایش شدید موالید، تا اخذ مجوز تنظیم خانواده و کاهش شدید موالید، و در نهایت، ضرورت افزایش مجدد موالید را تجربه کرده است. علی‌رغم این تحولات، آنچه در طول سالیان گذشته مغفول مانده، استخراج ابعاد و زوایای سیاست‌گذاری کلان جمعیت و تلاش برای تدوین چارچوبی برای سیاست‌گذاری جمعیت در ایران است؛ امری که در سال‌های اخیر اهمیت و ضرورت آن در حال آشکار شدن است. بدین سبب، این مقاله در تلاش است تا با مروری تاریخی زمینه طرح سؤالات اساسی در این رابطه را فراهم نماید.

طرح مسئله

مسئله جمعیت یکی از موضوعات مورد نظر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در هر جامعه‌ای به شمار می‌رود. این مسئله با توجه به اشارات اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی، واکنش‌های بسیاری را برانگیخته است. واکنش‌های مذکور عمدتاً بر دو نوع هستند:

- تلاش نهادهای قانونگذار برای تنظیم و تصویب برنامه‌های اصلاحی. این برنامه‌ها مشتمل بر دو بخش است: سیاست‌های سلبی در جهت حذف برنامه‌های «کنترل جمعیت»، و سیاست‌های ایجابی - تشویقی در جهت تسهیل ازدواج و ترغیب فرزندآوری؛ با تأکید بر ابتدایی‌ترین مرحله یعنی تولد نوزاد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، جلسه ۷۱۲، ۳/۲/۱۳۹۱)؛

سیاست‌گذاری جمعیت یکی از انواع سیاست‌گذاری‌ها در جهان معاصر است که جمعیت را موضوع خود قرار داده و ضمن بررسی آن از جهات مختلف، تحولات جمعیت را در ارتباط با سایر موضوعات کلان یک جامعه، مورد بررسی قرار می‌دهد. علم جمعیت‌شناسی مبنای نظری سیاست‌گذاری جمعیتی به شمار می‌رود. عمده منابع، مالتوس را - که نظریاتش مربوط به دهه ۱۷۸۰م است - به عنوان یکی از پایه‌گذاران جمعیت‌شناسی و آغازگر شکل‌گیری پایه‌های اولیه سیاست‌گذاری جمعیت معرفی می‌کنند (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: شیخی، ۱۳۷۳، ص ۱۳؛ کتابی، ۱۳۷۷؛ ص ۲۹-۳۰). بالطبع، در بررسی جمعیت‌شناسی تاریخی ایران نیز دو دوره کلی را می‌توان از هم تفکیک کرد: دوره نخست، به سال‌های پیش از اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال ۱۳۳۵ در کشور برمی‌گردد. ارقامی که برای جمعیت ایران و سایر شاخص‌های آن در قبل از این دوره گزارش شده است جنبه تخمینی دارد. دوره دوم، سال‌های بعد از سرشماری ۱۳۳۵ را دربر می‌گیرد (اسماعیلی و آل‌مولانا، ۱۳۸۹).

از این زمان به بعد همزمان با برگزاری سرشماری‌های جمعیتی با فاصله‌های منظم، به تدریج سیاست‌گذاری جمعیتی در ایران متناسب با سیاست‌های نهادهای بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرد. بررسی جمعیت در برنامه‌ریزی‌ها و مطالعات کاربردی جمعیت در ایران از حدود سال ۱۳۴۴ که تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی آغاز شد و برای نخستین بار جمعیت به عنوان مهم‌ترین عامل در

راهبردی مناسب نظیر منابع آبی و زمین‌های قابل کشت، افزایش جمعیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش بازار و اشتغال‌زایی در کشورها، نقش جمعیت در بسیاری از عرصه‌ها نظیر علم و فناوری، ورزش و... تأکید دارند (رجانیوز، ۱۹/۵/۱۳۹۰).

تحقیقات صورت‌گرفته نیز نشان می‌دهند که رشد جمعیت به خودی خود اثرگذاری محدودی بر عملکرد اقتصادی جوامع داشته و بهره‌برداری بهینه از تحولات جمعیتی، در ارتباط مستقیم با سیاست‌های حاکم بر هر جامعه قرار دارد (سوری و کیهانی حکمت، ۱۳۸۴).

۳. اظهاراتی که افزایش جمعیت را به‌مثابه افزایش مسلمانان یا شیعیان می‌شناسند. این رویکرد، کمتر با اقتضائات جامعه پیشرفته یعنی اصالت توسعه و رفاه در ارتباط بوده و در چارچوب ارزش‌های اسلامی قابل ادراک و تحلیل است (ر.ک: حسینی طهرانی، ۱۳۷۳). روی دیگر این رویکرد، توجه به توطئه دشمن برای کاهش جمعیت مسلمانان است (کتابی، ۱۳۷۷، ص ۵۱-۵۲).

این رویکرد، تجلیل از «موفقیت‌آمیز بودن سیاست‌های تنظیم خانواده و کاهش شدید رشد جمعیت و نرخ باروری در ایران از طرف سازمان‌های بین‌المللی و معرفی ایران به‌عنوان یک الگو در بحث تنظیم خانواده برای کشورهای جهان سوم» را در کنار «مواجهه سازمان‌های بین‌المللی با پیشرفت‌های علمی و فناوری دیگر ایران نظیر حوزه هسته‌ای و...» قرار داده و سؤالاتی را که شاید بدبینانه ولی قابل تأمل هستند، مطرح می‌کند. این سؤالات با جملات دیگری تکمیل شده‌اند:

روند تغییرات جمعیت کشور به نفع ما نیست و

- بررسی و نفی و اثبات اصل موضوع؛ از طریق ارائه شواهد آماری، سناریوهای پیش‌بینی جمعیت و نقد و تحلیل سیاست‌های جمعیتی دهه‌های گذشته و... که عمدتاً در چارچوب اظهارنظرها گنجانده می‌شود. بررسی رویکردهای پیرامون افزایش جمعیت، نشان می‌دهد که کلیه این اظهارات در سه دسته قابل تقسیم می‌باشند:

۱. اظهاراتی که افزایش جمعیت را به‌مثابه افزایش جویندگان رفاه (اشتغال، مسکن، تحصیلات و... در سطوح آرمانی) می‌دانند. در این رویکرد، منابع محدود و تقاضای نامحدود، کاهش رفاه را به دنبال خواهد داشت (شیخی، ۱۳۷۳، ص ۴۹).

البته نگرش دیگری نیز وجود دارد که اصل ازدواج و به‌تبع، فرزندآوری را خلاف رفاه، آزادی و لذت فردی می‌داند. این نگرش، اگرچه در ایران در مقایسه با بسیاری از جوامع محدودتر است (رجانیوز، ۲/۸/۱۳۹۱)، اما در میان افراد وجود داشته و به صورت محدود در تحلیل‌ها نیز به چشم می‌خورد (شیخی، ۱۳۷۳، ص ۹۲).

۲. اظهاراتی که افزایش جمعیت را به‌مثابه افزایش نیروی انسانی در خدمت توسعه - اعم از نیروی کار یا مصرف‌کننده - می‌انگارند. در این رویکرد، افزایش نیروی کار به کاهش دستمزد و سهولت تولید منجر می‌شود و افزایش مصرف‌کننده، به توسعه بازار منتهی خواهد شد و از این جهت، شکوفایی اقتصادی را رقم خواهد زد (کتابی، ۱۳۷۷، ص ۶۲-۶۳).

موافقان این رویکرد بر عواملی نظیر: ظرفیت بالای اقلیمی کشور پهناور ایران در مقایسه با سایر کشورها، تراکم جمعیتی و زیستی پایین ایران نسبت به اکثر کشورهای منطقه و جهان، ظرفیت‌های

چشم‌انداز پیش‌روی خود می‌داند، اما این قدرت و تأثیرگذاری را به صرف گسترش کمی جمعیت شیعیان و ایجاد وحدت مسلمانان، محدود نساخته است.

منظومه فوق، سازنده اجرای سیاست «کنترل جمعیت» در دهه ۱۳۷۰ و عذرخواهی رهبری از کوتاهی در تغییر آن در دهه ۱۳۸۰ و تأکید معظم‌له بر رفع آن در دهه ۱۳۹۰ می‌باشد (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۵/۳؛ ۱۳۹۰/۵/۱۶؛ ۱۳۹۱/۷/۱۹؛ ۱۳۹۱/۷/۲۳). این مسئله بخصوص در دهه ۱۳۹۰ یعنی دهه «پیشرفت و عدالت» اهمیت خاصی دارد و این پیام را می‌دهد که همه باید در جهت بازنگری در سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی که تداوم سیاست‌های غلط پهلوی یا تحمیل‌های شبه‌علمی نهادهای بین‌المللی و یا خلاف مصالح پیشرفت و عدالت - در بلندمدت - بوده است، گام بردارند.

برخی رویکردهای موجود در سیاست‌گذاری افزایش جمعیت

نکته اساسی درباره اظهارنظرهای برشمرده در بخش‌های قبلی نسبت به جمعیت، تأکید آنها بر اصل افزایش یا عدم افزایش است و این اظهارنظرها عملاً از مذاقه در مراحل بعدی یعنی کم و کیف افزایش جمعیت و آینده‌اندیشی پیرامون آن اجتناب کرده‌اند. به طور کلی، جمعیت را می‌توان با سه مؤلفه مورد بررسی قرار داد: کمیت، کیفیت، آمایش. به لحاظ کمی، جمعیت از طریق شاخص‌هایی نظیر نرخ رشد، نرخ باروری، مطلق جمعیت، نسبت گروه‌های سنی مختلف و... مورد بررسی قرار می‌گیرد (تاج‌گذاری، ۱۳۶۸، ص ۱۸).

به لحاظ کیفی نیز، جمعیت از طریق شاخص‌هایی

در کمتر از سه دهه، جمهوری اسلامی ایران به کشوری شدیداً سالخورده تبدیل خواهد شد و این یعنی کاهش نشاط و نوآوری در جامعه و افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی برای رفع دغدغه خیل عظیم سال‌خوردگان، و این همان چیزی است که غربی‌ها می‌خواهند؛ افزایش مشکلات کشور و فروپاشی از درون.

در این میان، رویکرد انقلاب اسلامی که در خلال مباحثات ارزش‌های اسلام ناب، شرایط جهان امروز و محدودیت‌های ساختار اداری موجود در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران عینیت یافته است به همه دیدگاه‌های موجود از منظری عالمانه نظر داشته و طرح کلان خود را پیگیری می‌نماید. از همین روست که اجرای سیاست «تنظیم خانواده» در دهه‌ای و رفع آن در دهه‌ای دیگر در دستور کار آن قرار گرفته است.

انقلاب اسلامی اگرچه با آسایش و برخورداری، همراهی و موافقت دارد، اما اولویت اصلی خود را مقوله «رفاه» نمی‌داند و اراده خدای تعالی و اتکا به او را در همه امور از جمله در تحقق آسایش و برخورداری، بر برنامه‌ها و اراده بشری مقدم می‌شمارد. همچنین، انقلاب اسلامی پیشرفت همه‌جانبه با محوریت ارزش‌های اسلامی و در جهت سعادت و تعالی انسان را سرلوحه خود قرار داده است، اما به هیچ‌روی، توسعه مادی بخصوص با الگوهای غربی را غایت حرکت خود نمی‌داند (آوینی، ۱۳۸۶، ص ۴۹-۵۷). درنهایت، اگرچه انقلاب اسلامی تأکید بر گسترش قدرت و اثرگذاری اسلام ناب در جهان معاصر و زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج) را - در پرتو اتصال به قدرت لایزال الهی -

- مستعمره‌سازی برخی ممالک (نظیر هندوستان)؛

- تصرف سرزمین‌های کم جمعیت و بدون پیشینه تاریخی غنی و ایجاد دولت‌های وابسته (نظیر استرالیا امروزی)؛

- تبدیل ممالک تصرف شده از طریق تغییر نسبت‌های جمعیتی به دولت‌های قدرتمند وابسته آنگلو ساکسونی برای پیشبرد منافع بین‌المللی (نظیر کانادای امروزی)؛

- ایجاد دولت‌های کوچک وابسته برای کسب سطحی از آراء ثابت در نشست‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی (نظیر جزایر سلیمان)؛

- گسترش نفوذ زبان انگلیسی به عنوان زبان علم و ارتباطات بین‌المللی؛

- گسترش سبک زندگی آمریکایی در جهان و...
جالب آنکه نظرات توماس رابرت مالتوس، به عنوان یکی از مخالفان گسترش جمعیت، مصادف با همین دوره تاریخی است (شیخی، ۱۳۷۳، ص ۹۳-۹۴). همچنین، کشورهای آمریکا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند از مهم‌ترین کشورهای تصرف شده انگلیسی‌ها در دوره مورد نظر می‌باشند (زلینسکی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۹-۱۷۰).

ساختار حکومت در این کشورها - بجز آمریکا - به نحوی است که پادشاه یا ملکه بریتانیا، مشروعیت بخش دولت مستقر بوده و فرماندار کل به عنوان نماینده ملکه الیزابت در اداره کشور ایفای نقش می‌کند. گفته می‌شود امروزه این نقش، به حالت تشریفاتی درآمده؛ اما آنچه مسلم است، این کشورها در طول جنگ‌های جهانی به طرفداری از انگلستان وارد جنگ شدند و در تمامی تهاجمات نظامی

مورد قضاوت قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها در جوامع مختلف تا حدی متفاوت است. برای مثال، ممکن است در جامعه‌ای میزان دارایی، تحصیلات و... نسبت به مواردی نظیر باورها و عقاید، سلامت روان و شخصیت، جسم و تن اولویت بیشتری داشته باشد (همان).

همچنین از منظر آمایشی، جمعیت از طریق شاخص‌هایی نظیر پراکنش جغرافیایی، نسبت‌های شهرنشینی، روستانشینی، کوچ‌نشینی، مرزن‌نشینی، مذاهب، اقوام، مشاغل و... مورد نظر قرار می‌گیرد.

هنگامی که هریک از شاخص‌های فوق، رضایت بخش نبوده و یا نیازمند بازنگری و اصلاح به شمار آیند، تلاش برای تغییر شاخص‌های مورد نظر در دستور کار برنامه‌ریزان قرار خواهد گرفت.

علاوه بر رویکردهای سه‌گانه فوق، رویکردهای دیگری نیز در جهت برنامه‌ریزی‌های جمعیتی وجود دارد. برخی از این رویکردها به شرح ذیل می‌باشد:

۱. یکی از قدیمی‌ترین سیاست‌های گسترش جمعیت در جهان مدرن، تلاش برای سرازیر کردن مازاد جمعیت به سایر کشورها و مناطق جهان در قرون ۱۸ و ۱۹ بود که توسط دولت‌های استعمارگر انجام می‌گرفت. دولت انگلستان به وسیله این سیاست، سلطه نظامی و پرهزینه خود بر جهان را به سلطه باثباتی تبدیل کرد. به عبارت دیگر، آنگلو ساکسون‌ها با سرازیر کردن مازاد جمعیت به سایر سرزمین‌ها به اهدافی دست یافتند که بخشی از آنها به شرح ذیل است:

- استثمار ممالک دیگر (نظیر کشورهای آفریقایی)؛

- فرستادن مستشاران نظامی، اقتصادی، فرهنگی به سایر ممالک (نظیر ایران عصر پهلوی)؛

جمعیتی و یا تغییر آنها اقدام به ازدیاد نسل کرده‌اند. گسترش جمعیت فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی و تلاش صهیونیست‌ها برای تغییر نسبت جمعیتی به نفع خود، از مصادیق چنین رویکردی است. زندگی توأم با قناعت، مبارزه و سخت‌کوشی برای فلسطینیان و وعده رفاه، تسهیل مهاجرت‌پذیری و ممانعت از خروج جمعیت از الزامات چنین رویکردی برای صهیونیست‌ها به‌شمار می‌رود (سایت مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین).

۵. در برخی از جوامع، اقلیت‌های مذهبی، قومی و... با هدف تأثیرگذاری در جریانات قدرت، اقدام به افزایش موالید می‌نمایند. کشور لبنان دارای چنین الگویی است. این مسئله در سایر کشورهای اسلامی که در آنها تنوع مذهبی، قومی، زبانی و... وجود دارد نیز به چشم می‌خورد. بدین ترتیب، گروه‌های تندرو وهایی دارای رشد جمعیتی بالا بوده و درگیر نوعی آمایش عقیدتی می‌باشند (شیعه‌نیوز). گروه‌های سکولار و غرب‌زده نیز عمدتاً دارای رشد جمعیتی پایین و رفاه‌طلب بوده و درصدد تولید نیروهای انسانی تحصیل‌کرده و دارای مصرف فرهنگی مدرن برای اشغال مناصب و سطوح بالای سیاسی - اجتماعی هستند.

۶. در جوامع صنعتی، افزایش جمعیت با هدف تسهیل چرخه تولید و مصرف صورت می‌پذیرد. بنابراین، جذب مهاجران ثروتمند و اهل علم به‌عنوان تسهیل‌گران چرخه تولید و مصرف در درون مرزهای ملی و جذب مخالفان دولت‌های مستقل به‌عنوان تسهیل‌گران چرخه استعمار و وابستگی در بیرون از مرزهای ملی در دستور کار قرار می‌گیرد (www.westpass.cam). همچنین، در چنین جوامعی با

آمریکا به کشورهای مختلف نظیر افغانستان، عراق، لیبی و... حضور داشتند.

۲. برخی از جوامع که سعی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی با مزیت نیروی انسانی ارزان داشته‌اند، از ازدیاد نسل با هدف ایجاد کارگر ارزان بهره برده‌اند. کشور هند در سال‌های اخیر با این رویکرد، سیاست مدیریت گسترش جمعیت را در دستور کار قرار داده و به سرعت مرز یک میلیارد نفر جمعیت را پشت سر گذاشته است (ر.ک: سایت خبری تابناک، ۱۳۹۰/۱/۱۲). چنین رویکردی مستلزم تربیت نیروی انسانی کم‌توقع، پرکار، دارای مهارت‌های فنی بالا، تحصیلات دانشگاهی محدود، خاضع در برابر سرمایه و سرمایه‌دار و... می‌باشد.

۳. برخی دیگر از جوامع با هدف استفاده از معضلات جمعیتی کشورهای صنعتی اقدام به ازدیاد نسل کرده‌اند. ازدیاد نسل به‌منظور پر کردن کمبود نیروی انسانی در کشورهای صنعتی، از سیاست‌های جمعیتی کشورهای نظیر ترکیه به‌شمار می‌رود (سایت همشهری آنلاین، ۱۳۹۰/۱/۱۴). این کشور از طریق فرستادن مهاجران به کشوری نظیر آلمان، عملاً اقلیت قومی ترک را تبدیل به یکی از مهم‌ترین گروه‌های مهاجر در کشور آلمان کرده است (سایت شیعه آنلاین، ۱۳۸۹/۸/۱۷). چنین رویکردی مستلزم تربیت نیروی انسانی آشنا به مهارت‌های موردنیاز جامعه مهاجرت‌پذیر، آشنایی به زبان جامعه مقصد، حفظ زبان مادری در جامعه مقصد، احترام به ارزش‌های جامعه مقصد، پابندی نسبی به ارزش‌ها و پوسته سنت‌های جامعه مبدأ و... می‌باشد (فرید، ۱۳۸۳، ص ۳۲۸).

۴. بعضی از جوامع نیز با هدف حفظ نسبت‌های

صهیونیست‌ها معتقدند که جمعیت غیریهود باید محدود و در خدمت تأمین خواسته‌ها و رفاه بنی اسرائیل به‌عنوان قوم برگزیده و فرزندان خدای یهود باشد (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۱/۵/۵).

سیاست‌های جمعیتی پس از انقلاب اسلامی

در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، احساس شور و نشاط معنوی و گسترش عدالت در حوزه‌های بهداشت و درمان، آب، برق و... سبب گسترش سطح برخورداری مادی، توأم با کاهش شدید مرگ‌ومیر نوزادان شد. این فرایند که افراد بتوانند بدون تهدید مرگ‌ومیر نوزادان و در سایه عدالت مادی و معنوی نظام اسلامی، جمعیت خانواده خود را افزایش دهند و برای این گسترش از مزایایی نظیر کوپن یا زمین‌های اعطایی به خانواده‌های پرجمعیت و... برخوردار شوند، افزایش محسوس زاد و ولدها را به دنبال داشت (فرید، ۱۳۸۳، ص ۴۶-۴۷). این مسئله که در سال‌های بعد با پناه آوردن گروه‌های افغانی، عراقی و کویتی به جمهوری اسلامی نیز همراه شد، سبب رشد کم‌سابقه جمعیت و نگرانی مسئولان وقت گردید. بنابراین، تداوم چنین فرایندی در درازمدت مطلوب نبود. به‌عبارت دیگر، کاهش مرگ‌ومیر نوزادان به موازات افزایش زاد و ولد، رشد جمعیت را به دنبال داشت، اما این میزان رشد جمعیت با کمبودها و زیرساخت‌های معیوب به‌جامانده از دوره پهلوی، جامعه را به سمت بحران می‌برد. از همین رو، مسئولان نظام، شعار «تنظیم جمعیت» را در دستور کار قرار دادند.

این شعار به‌واسطه اعتماد توده‌های مردم به

توجه به پایین و یا حتی منفی بودن رشد جمعیت و در معرض تهدید قرار گرفتن ملیت به‌واسطه حضور دو رگه‌ها، حفظ نژاد - از طرق مشروع یا نامشروع - از جایگاه خاصی برخوردار است (فرید، ۱۳۸۳، ص ۳۳۶).

علاوه بر آنچه گفته شد، ادیان نیز در قبال افزایش جمعیت موضع خاصی دارند. دیدگاه اسلام پیرامون جمعیت را می‌بایست در آیات و روایات جست‌وجو کرد. افتخار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر سایر انبیای الهی در صحفه قیامت به دلیل تعدد پیروان دین خود، از روایات مشهور و آشنا برای همگان است (شیخی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۴). این منظر با رویکردهای رفاه‌محور تفاوت‌های جدی دارد؛ چراکه مقوله رفاه نیز از عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌های جمعیتی می‌باشد. در این رویکرد، تأمین ملاک‌هایی نظیر تحصیل، بهداشت، مسکن، اشتغال، درآمد سرانه و... تعیین‌کننده نیاز یا عدم نیاز جامعه یا گروه‌های اجتماعی خاص به ازدیاد مولید می‌باشد. به‌عبارت دیگر، نظر رایج آن است که جوامع برخوردار از سطوح پایین رفاه، نیازمند کنترل جمعیت هستند و اقتضای رفاه در هر جامعه‌ای از بیشترین صلاحیت برای گسترش جمعیت برخوردارند (همان، ص ۹۷). البته این مسئله در دین مبین اسلام صورت دیگری دارد؛ از میان بردن نسل به دلیل ترس از فقر، امری مذموم (اسراء: ۳۱) و زندگی در رفاه مطلق سبب طغیان فرد و جامعه (علق: ۷۶) به‌شمار می‌رود (کتابی، ۱۳۷۷، ص ۵۲).

نقطه مقابل رویکرد اسلام (یعنی نگرش جهانی و دعوت همه ملت‌ها در همه سرزمین‌ها و اعصار به اسلام و صراط مستقیم، و تقوا به‌عنوان ملاک برتری) رویکرد «قومی یهودیت منحرف» است. در این زمینه،

به طور هماهنگ و به وسیله وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مختلف در کشور ما پیاده شده‌اند اشاره می‌شود:

- جوانانی که قصد ازدواج دارند، پس از انجام آزمایش‌های لازم، موظف به شرکت در کلاس‌های تنظیم خانواده می‌باشند.

- درس تنظیم خانواده به مجموعه ضروریاتی که هر فرد دارای تحصیلات عالی باید بداند و به کار بندد، افزوده شد.

- عمل وازکتومی به طور رایگان انجام می‌شود.

- فرزند چهارم به بعد کوپن دریافت نمی‌کند (رجانیوز، ۱۳۸۹/۴/۵) و...

البته فعالیت‌هایی که تحت عنوان «توسعه فرهنگی» و «تعدیل اقتصادی» به وقوع پیوست نیز در این مسیر بسیار مؤثر واقع شد. ملموس‌ترین اثر این سیاست‌ها، ضرورت افزایش هرچه بیشتر وزن هزینه تحصیلات در سبد هزینه خانوار، افزایش سهم خانوار در تأمین هزینه‌های آموزشی و در نتیجه، گسترش روزافزون هزینه فرزند (فرزندان) بود.

جامعه ما در حالی وارد دوره بعدی شد که نه تنها ساختارهای اجتماعی از تبدیل نسبی ثروت و قدرت به ارزش، تشدید احساس نابرابری اجتماعی، تردید نسبت به رفتار و اعمال مسئولان، احساس محرومیت، انحراف و فساد و... رنج می‌برد (رفیع‌پور، ۱۳۷۶، ص ۱۵۹-۱۷۱)، بلکه این ویژگی‌ها در سطوح فردی نیز تئوریزه شده و پیام‌آور ضرورت اصلاحات در ساختارهای نظام، متناسب با ارزش‌های سکولاریستی بودند. تداوم وضعیت فوق با شعار «توسعه به مثابه آزادی» در طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، جامعه را تا مرز بحران‌های جدی

مسئولان نظام اسلامی، عدم مخالفت و فضا سازی روشن‌فکران (به دلیل وجود سابقه ذهنی در دولت پهلوی و حمایت نهادهای بین‌المللی) و... به سرعت به اهداف مورد نظر دست یافت. اما پس از دستیابی به این نقطه، نه تنها متوقف نشد، بلکه به واسطه گسترش مدرک‌گرایی با شعار «تخصص‌گرایی»، توسعه بی‌ضابطه دانشگاه آزاد و بعدها پیام نور، افزایش ظرفیت و تقاضای تحصیلات عالی به ویژه در میان بانوان و... تغییر الگوهای ذهنی مرتبط با سبک زندگی را به دنبال داشت. مسائل متعدد دیگری از جمله آنچه در قالب مسئله «تهاجم فرهنگی» (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: نوده فراهانی، ۱۳۹۰ ب) صورت‌بندی می‌شود، جامعه را به سمت سبک زندگی جدیدی رهنمون کرد که - برای مثال - آموزش زبان مکالمه انگلیسی به عنوان یک ارزش برتر علمی و منزلتی (نوده فراهانی و مقامی، ۱۳۹۰)، گسترش استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای به عنوان نشانه تشخیص و آگاهی، آزاداندیشی و... بخشی از این عوامل به شمار می‌رود.

تبدیل تلویحی شعار «تنظیم جمعیت» به «کنترل جمعیت» و سپس «کاهش جمعیت» مهم‌ترین نشانه انحراف سیاست مزبور است. این انحراف به واسطه جای‌گیری گفتمان «توسعه» و «رفاه» در پوشش شعار «سازندگی» در طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ وارد مرحله جدیدی شد.

«فرزند کمتر، زندگی بهتر»، «یکی خوبه، دوتا کافیه» و... شعارهایی بود که در دهه هفتاد در همه جا از جمله رسانه‌ها، تبلیغات کالاها، توصیه‌های بهداشتی مراکز درمانی و... به چشم می‌خورد. در ذیل، به برخی از سیاست‌های جمعیتی که از آن زمان تاکنون

علل عدم توفیق رویکرد اصلاحی دولت

عدم توفیق دولت طی سال‌های ۱۳۸۴ تاکنون در اصلاح رویکرد «کاهش جمعیت» را به مواردی نظیر طبیعی‌نمایی رویکرد غلط موجود به واسطه پایه‌های شبه‌علمی و نسخه‌های ترویجی نهادهای بین‌المللی، فضاسازی روشن‌فکران و جریان‌های فمینیستی و سکولار، سیاسی‌کاری مخالفان، غیرکارشناسی بودن جهت‌گیری دولت و... نسبت می‌دهند. اگرچه امروزه تحلیل‌های جمعیت‌شناختی تا حد زیادی بر ادعاهای دولت صحه می‌گذارند (رجانیوز، ۱۳۸۹/۷/۲۷) و مسئولان کشور به تبعیت از مقام معظم رهبری، موضع مذکور را پذیرفته‌اند، اما درباره توفیق اصلاح سیاست‌های جمعیتی کنونی، تردیدهای جدی وجود دارد. بخش بزرگی از این تردیدها مربوط به اقناع مردم و نه نخبگان درون یا بیرون دولت است. به عبارت دیگر، از یک‌سو، در هر حکومتی مهم‌ترین راه تحقق سیاست‌های مصوب، اقناع مردم است و از سوی دیگر، مهم‌ترین عامل توفیق سیاست‌های نظام اسلامی، تلاش و حرکت جهادی آحاد مردم. بنابراین، سؤال اساسی این است که چه مشکلی در مسیر افزایش زاد و ولد، ذهن جامعه مسلمان ایران را به خود مشغول کرده که مانع اصلاح رویکرد پیشین است؟

مردم مسلمان ایران علی‌رغم تمایل قلبی به اصلاح رویکردهای ناصحیح در راستای حرکت نظام در مسیر تعالی، از اصلاح رویکرد پیشین باز مانده‌اند. علت این امر را می‌توان در مشکلات موجود نظیر مسئله مسکن، اشتغال، ازدواج و... نسل جوان امروز دانست. جامعه ایرانی در حالی از همراهی با سیاست جدید، خودداری می‌کند که

پیش برد. تبدیل اوقات فراغت فرزندان به امری پرهزینه، گسترش اختیار و مطالبه فرزندان در خانواده - که در زبان عامیانه به‌عنوان فرزندسالاری شناخته می‌شود - و... از دستاوردهای منفی این دوره است (نوده فراهانی، ۱۳۹۰ الف).

چنانچه سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ را به‌عنوان سال‌های اوج باروری در جامعه پس از انقلاب به‌شمار آوریم، از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۴ بیشترین میزان نفرت، وارد دوره جوانی شده‌اند. مدیریت منابع انسانی و نحوه بهره‌مندی از نیروی جوانی جمعیت در این دوره به نحوی بود که برخی مسئولان، مهم‌ترین کارکرد افزایش سال‌های تحصیل به‌ویژه تحصیلات عالی را به تأخیر انداختن تقاضای کار می‌پنداشتند که البته این رویه کمابیش همچنان ادامه دارد. هنگامی که مدیریت کلان جامعه‌ای درباره نیروهای جوان خود، چنین سوءمدیریتی را به کارگیرد، بدیهی است که مردم نیز با بدبینی، تحولات را نظاره کرده و به سیاست‌های کنترل جمعیت تن دهند.

تبدیل رفاه‌طلبی و لذت‌جویی به یکی از ارزش‌های جامعه و هماهنگی این خواسته‌ها با شرایط اقتصادی و اجتماعی، شیوه زیست جدیدی را فراهم آورده است. این شیوه زیست جدید، اصلاح سیاست‌های جمعیتی را با دشواری‌های بسیاری همراه ساخته است. به همین دلیل، تلاش‌های دولت نهم و دهم برای تغییر شعار جمعیتی با تأکیدات شخص رئیس‌جمهور - بدون توسل به ابزارهای تشویقی سنگین مادی - با توفیق چندانی همراه نشد.

- در نظر گرفتن محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی برای شهروندان و دستگاه‌های مستقر در تهران؛ مثلاً ممنوعیت استخدام در تهران یا عدم صدور مجوز ساخت و ساز برای دستگاه‌های اداری در تهران و...؛ - شناسایی ۱۶ پادگان بزرگ ارتش و سپاه در تهران به منظور خروج آنها از پایتخت؛

- ممنوعیت توسعه بیمارستانی در تهران؛

- تعیین مهلت برای نقل مکان ۴۵ کارخانه بزرگ به خارج از تهران؛

- ممنوعیت صدور اجازه استقرار واحدهای صنعتی در محدوده تهران؛

- جلوگیری از واگذاری زمین دولتی برای ساخت وسازهای مسکونی در داخل شهر تهران؛

- انتقال برخی مشاغل و اماکن به بیرون شهر تهران؛ مانند انتقال تمامی بنگاه‌ها و نمایشگاه‌های خودرو، نمایشگاه‌های فرش، انبارهای کالا و...؛

- واقعی ساختن هزینه زندگی در تهران و شهرستان‌ها از طریق هدفمندی یارانه‌ها، به عنوان عامل رونق در شهرستان‌ها و مانع بهره‌مندی بیشتر تهرانی‌ها و در نتیجه، جلوگیری از مهاجرت (رجانیوز، ۱۳۸۹/۱۱/۲۹) و... .

بنابر آنچه گفته شد، جامعه ایران با گزاره‌های متناقضی مواجه است:

۱. جمعیت ایران باید افزایش یابد؛

۲. جمعیت پایتخت باید کاهش یابد؛

۳. سیاست تمرکززدایی توفیقی نداشته است.

به این موارد، باید گزارش‌هایی را افزود که به راست یا به دورغ مدعی هستند: «دولت به وعده‌های خود در قبال کارمندان خارج شده از تهران پایبند نبوده است» (سایت صراط، ۱۳۸۹/۵/۹). این سؤال

نسبت به تداوم یا وخیم‌تر شدن مشکلات کنونی در سال‌های آتی عمیقاً نگران است. چگونه نگران نباشد، درحالی‌که زندگی در کلان‌شهرها به ویژه تهران در شرایط نامطلوبی قرار دارد و علی‌رغم وجود شعار تمرکززدایی از سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۶ تا به امروز نه تنها موفقیتی در این زمینه حاصل نشده است، بلکه لحظه به لحظه بر شدت مسائل افزوده می‌شود.

برای مثال، همزمان با سیاست «افزایش جمعیت کشور»، سیاست «کاهش جمعیت پایتخت» نیز از سوی مسئولان در حال طرح و پیگیری است. برخی از سیاست‌های اعلام شده و در شرف تصویب، به شرح ذیل است:

- کاهش ظرفیت پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی در تهران؛

- انتقال سازمان‌ها و مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی؛

- انتقال خانوارهای تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد و همچنین مراکز وابسته به این دو سازمان (رجانیوز، ۱۳۹۱/۴/۵)؛

- انتقال پایتخت، تفکیک پایتخت سیاسی، علمی و...؛

- کاهش حجم مهاجرت و تقویت مهاجرت معکوس؛ مثلاً از طریق ایجاد اشتغال در شهرستان‌ها، توسعه زیرساخت‌ها و...؛

- کاهش دستگاه‌های دولتی و کارمندان در تهران با اولویت انتقال سازمان‌های پرمراجعه؛

- انتقال شرکت‌ها و دستگاه‌هایی که محل اصلی فعالیت آنها در جای دیگری است؛ مثلاً شرکت‌های وابسته به کشتیرانی، شیلات، نفت و گاز و...؛

- کاهش مراجعه حضوری به دستگاه‌های دولتی از طریق گسترش خدمات دولت الکترونیک؛

۲. بخش خدمات در نسبت با تولید صنعتی و کشاورزی ارزش افزوده بالاتر و مشکلات کمتری دارد.
 ۳. فعالیت اقتصادی غیردولتی در کلان‌شهرها در نسبت با همان فعالیت اقتصادی در سایر شهرستان‌ها ارزش افزوده بالاتر و مشکلات کمتری دارد.
 ۴. ارتقای اداری - سیاسی فعالیت دولتی در کلان‌شهرها در نسبت با همان فعالیت در سایر شهرستان‌ها سرعت بیشتری دارد (مهدوی، ۱۳۷۳، ص ۵۷-۵۹).

با این اوصاف، رشد بالای جمعیت در تهران و کلان‌شهرها و رشد پایین و بعضاً منفی جمعیت در روستاهای دوردست، امری طبیعی و منطقی به نظر می‌رسد (رجانیوز، ۱۶/۷/۱۳۸۹). به عبارت دیگر، از یک سو، تراکم پایین جمعیت در مناطق مرز نشین و ناامنی در مناطق دوردست و از سوی دیگر، بحران انسانی و نارضایتی ناشی از تجمع جمعیتی در مناطق مرکزی و کلان‌شهرها به وقوع خواهد پیوست.

همچنین، می‌دانیم که تحولات باروری و مهاجرت دو طریق عمده تحولات جمعیتی در جهان به شمار می‌آید. بنابراین، اصلاح سیاست‌های مهاجرتی به عنوان یکی دیگر از راه‌های افزایش جمعیت در جهان مطرح است. اما مهاجرت در کشورهای غیرصنعتی، به عنوان راهی برای افزایش جمعیت، چندان امر رایج و توصیه شده‌ای به شمار نمی‌رود؛ چراکه نیروهای مهاجر به کشورهای غیرصنعتی، عمدتاً دارای سطح تحصیلی، درآمد و ثروت محدود و یا حتی ناچیزی هستند. بالطبع این موضوع، در ایران نیز توافقی نظری درباره سیاست مهاجرت وجود ندارد. برای مثال، بخشی از فعالان اقتصادی، کارشناسان و مردم، مهاجران افغانی را

که «چه کسانی باید از تهران خارج شوند؟» با این تفاسیر، علت سرگردانی مردم در پیشبرد سیاست‌های نظام، قابل فهم و نیازمند چاره‌اندیشی است.

بی‌توجهی به دیگر سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مقوله جمعیت

سیاست‌های موجود در یک جامعه بر یکدیگر و از جمله بر سیاست جمعیت اثرگذارند. یکی از مشهودترین این موارد، تأثیر و تأثرات سیاست آموزش عالی بر مقوله جمعیت است که از جهات مختلف، تأثیرات قابل توجهی دارد. برای مثال، همبستگی بالایی میان نوع و میزان تحصیلات، نوع و محل مناسب اشتغال، نوع و مکان مطلوب سکونت و... وجود دارد. هرچه تحصیلات دانشگاهی گسترش بیشتری یابد، تقاضای مشاغل کارمندی و دولتی افزایش یافته و سکونت در شهرها با تأکید بر کلان‌شهرها و بخصوص پایتخت فزونی خواهد یافت که این امر، تراکم جمعیت در برخی مناطق، افزایش هزینه‌ها و کاهش آسایش اجتماعی و آرامش فردی را به دنبال خواهد داشت (ر.ک: تافلر، ۱۳۸۹). این مسئله نیز به نوبه خود به افزایش بیماری‌های عصبی، فشارها و اضطراب‌های زندگی، افزایش خشونت و پرخاشگری، کاهش سلامت و گسترش بیماری‌های قلبی و عروقی منتهی خواهد شد.

مثال دیگر در این رابطه، تأثیر سیاست‌های اقتصادی بر مقوله جمعیت است. تقریباً همگان بر صحت این گزاره‌ها توافق دارند:

۱. ارزش افزوده ساخت و ساز، واردات کالاهای لوکس، خرید و فروش سکه و ارز و... در نسبت با تولید صنعتی و کشاورزی نامتعارف است.

می‌گوید و بکلی فرض‌های دیگری از جمله مفروضات تأسیس تمدن دیگری مانند تمدن اسلامی را نادیده می‌گذارد.

همچنین، مروری بر تحولات سیاست‌گذاری جمعیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که برنامه‌ریزان ابتدا به دنبال کسب مجوز شرعی «کنترل باروری» و سپس بررسی نسبت جمعیت با اقتضائات اقتصادی - اجتماعی رفتند. در شرایط کنونی نیز سیاست جمعیتی در خدمت تأسیس تمدن اسلامی باید مدنظر قرار گیرد؛ مرحله‌ای که ایران امروز در آستانه آن قرار دارد. در این فرایند، جایگاه مذهب از «ویکردی غیرمنطقی که باید بدون ایجاد مقاومت کنار گذاشته شود» (۱۳۳۵-۱۳۵۷) به «جایگاه صادرکننده جواز شرعی برای افراد» و سپس به «جایگاه صادرکننده جواز مصلحتی برای حفظ جامعه اسلامی» (۱۳۸۵-۱۳۹۰) و سرانجام به «جایگاه صادرکننده جواز حکمتی برای ساخت تمدن اسلامی» (۱۳۹۰ به بعد) ارتقا یافته است.

بنابراین، تفاوت نگاه جمعیتی جمهوری اسلامی نسبت به دیگر کشورهای جهان در این مقوله، به غلبه نگاه دینی کلان و راهبردی برمی‌گردد که رهبر معظم انقلاب نیز بدان اشاره داشته‌اند. به عبارت دیگر، گزاره‌ای که معتقد است دین با تنظیم خانواده مخالفتی ندارد، یک حکم فقهی - فردی است؛ اما سیاست‌گذاری در جامعه اسلامی نیازمند حکم فقهی - اجتماعی (حکومتی) است که باید بر اساس عزت، حکمت و مصلحت جامعه و حکومت اسلامی تعیین گردد.

از این منظر، اصلاح سیاست «کنترل جمعیت» بخصوص در دهه «پیشرفت و عدالت» اهمیت

اشغال‌کننده فرصت‌های شغلی دارای مهارت پایین می‌دانند و بخشی دیگر، مهاجران افغان را انجام‌دهنده مشاغل پست و بر زمین مانده قلمداد می‌کنند. اما آنچه قابل انکار نیست، نداشتن سیاست مدون در این حوزه است؛ چراکه مهاجران قانونی و غیرقانونی افغان، نه به دلیل سیاست‌گذاری مهاجرتی ایران، بلکه به دلیل مشکلات کشور خود، راه مهاجرت را در پیش گرفته‌اند.

سیاست مدون مهاجرتی درباره مهاجرت ایرانیان به سایر جوامع نیز وجود ندارد. بالطبع، توافق نظری در این مورد نیز دیده نمی‌شود. به عبارت دیگر، به دلیل نداشتن برنامه مدون، امکان استفاده از ظرفیت مهاجران ایرانی در سایر کشورها و جهت‌دهی به فعالیت‌های آنان نیز مورد غفلت جدی واقع شده است. این درحالی است که گشودن باب سیاست‌گذاری مهاجرت - اعم از سیاست مهاجریزیری و سیاست مهاجرفرستی - از ضرورت‌های تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در جهان معاصر است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رجوع به منابع جمعیت‌شناسی متداول دانشگاهی، روشن می‌کند که علم جمعیت‌شناسی نسبت به دو مسئله توجه آشکاری از خود نشان نمی‌دهد: ۱. سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی - اجتماعی؛ ۲. سیاست‌گذاری‌های کلان تمدنی؛ یعنی همان دو مقوله‌ای که در قالب «برخی رویکردهای موجود در سیاست‌گذاری افزایش جمعیت» تا حدی درباره آن سخن گفته شد. به عبارت دیگر، علم جمعیت‌شناسی کمتر درباره اقتضائات غیرعلنی و پیش‌فرض‌های پنهان تمدن غربی در سیاست‌گذاری جمعیت سخن

۱. با اولویت تربیت نسلی متقی (به‌عنوان مبنای کیفی جمعیت)؛
۲. تأمین نیروی انسانی موردنیاز در بخش‌های مختلف اقتصادی (آمایش اقتصادی)؛
۳. رعایت نسبت‌های جغرافیایی (آمایش جغرافیایی).
بالطبع، مجموع موارد سه‌گانه فوق، سطحی از «امنیت»، «سلامت معنوی»، «آرامش روحی» و «برخوردارگی مادی» را نوید خواهد داد.

ویژه‌ای دارد. در این چارچوب، هر آنچه با «عدالت» یعنی «قرار گرفتن هر چیز در جای خود»، منافات دارد، مانع شکوفایی، تعالی و پیشرفت انسان و جامعه انقلابی است. بنابراین، با عنایت به رویکردهای موجود در سیاست‌گذاری جمعیت، سیاست‌گذاری مطلوب جمعیت در ایران، مستلزم تبیین چشم‌انداز موردنیاز در جهت اهداف نظام جمهوری اسلامی از جمله در راستای ایجاد تمدن اسلامی است. به عبارت دیگر، پیش از هر اقدامی باید به این سؤالات پاسخ دهیم:

۱. چگونه شرایط کنونی جامعه ایران - با همه نقاط قوت و ضعف آن - پدید آمده است؟ (مربوط به نقد و بررسی سیاست‌گذاری‌های پیشین)؛
۲. چگونه می‌توان شرایط کنونی را بهبود بخشید؟ (مربوط به اصلاح سیاست‌گذاری‌های کنونی در قبال نسل کنونی)؛
۳. سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی مناسب نسل آتی چگونه باید باشد؟ (مربوط به تبیین سیاست‌گذاری‌های آتی با توجه به تجارب قبلی)؛
۴. نسل آتی باید دارای چه ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی باشد؟ (مربوط به نسل آتی یا فرزندان)؛
۵. چگونه می‌توان نسل آتی با ویژگی‌های موردنظر را تربیت کرد؟ (مربوط به نظام تربیتی، خانواده و حاکمیت)؛
۶. چه کسانی، به چه دلایلی و با چه اهدافی باید اقدام به ازدیاد نسل نمایند؟ (مربوط به نسل فعلی یا والدین)؛
در این چارچوب، ازدیاد موالید باید با در نظر گرفتن موارد ذیل باشد:

تمسخر مردم با وعده انتقال از تهران»، در: سایت خبری تحلیلی صراط، ۱۳۸۹/۵/۹.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱/۳/۲)، «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضات راهبردی کشور».

شیخی، محمدتقی (۱۳۷۳)، **جسامه‌شناسی جمعیت و تنظیم خانواده**، تهران، دیدار.

عالمی، مسعود، «آیا کنترل جمعیت در راستای منافع ملی است؟»، در: رجانوز، ۱۳۸۹/۴/۵، www.rajanews.com.

فرید، بدالله (۱۳۸۳)، **جغرافیای جمعیت**، تبریز، دانشگاه تبریز.

قنادی، محمد، «ایران مقتدر؛ جمعیت ۱۵۰ میلیونی»، در: رجانوز، ۱۳۹۰/۵/۱۹.

کتابی، احمد (۱۳۷۷)، **درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی**، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

«کم‌جمعیت‌ترین روستای ایران با دو خانوار در سبزار قرار دارد»، در: رجانوز، ۱۳۸۹/۷/۱۶.

مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، www.palestine-persian.

«مشوق‌های فرزندآوری بر کدام دهک‌های درآمدی تأثیرگذارند؟»، در: مشرق‌نیوز، www.mashreghnews.ir.

مهدوی، مسعود (۱۳۷۳)، **اصول و مبانی جغرافیای جمعیت**، تهران، قومس.

«نگاهی به سبک زندگی ترویجی سینما و تلویزیون و رابطه آن با جمعیت»، در: رجانوز، ۱۳۹۱/۸/۲.

نوده‌فراهانی، اسماعیل (۱۳۹۰ الف)، **گزارش «ملاحظات سیاست‌گذاری فرهنگی نسل جوان: ۱. مفهوم شکاف نسل‌ها»**، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

نوده‌فراهانی، اسماعیل (۱۳۹۰ ب)، **گزارش «ملاحظات سیاست‌گذاری فرهنگی نسل جوان: ۲. مفهوم تهاجم فرهنگی»**، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

نوده‌فراهانی، اسماعیل و عباس مقامی (۱۳۹۱)، **گزارش «ملاحظات سیاست‌گذاری آموزش زبان در کشور»**، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

«هرم سنی جمعیت کشور به سمت پیرشدن است»، در: رجانوز، ۱۳۸۹/۷/۲۷.

منابع

آوینی، سیدمرتضی (۱۳۸۶)، **توسعه و مبانی تمدن غرب**، تهران، ساقی.

اسماعیلی، محمدمهدی و بابک آل‌مولانا، «بررسی سیاست‌های تحدید و تنظیم خانواده» (۱۳۸۹)، **برداشت دوم**، ش ۱۱ و ۱۲. «افزایش جمعیت و هابیت»، در: شیعه‌نیوز.

«برنامه کاهش جمعیت پایتخت» (مصاحبه با عبدالعلی تاجی: معاون حقوقی معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی رئیس‌جمهور)، در: رجانوز، ۱۳۹۱/۴/۵.

«۲۷ پروژه برای نجات پایتخت از تمرکز جمعیتی» (مصاحبه مرتضی تمدن: استاندار تهران)، در: رجانوز، ۱۳۸۹/۱۱/۲۹.

تاجداری، پرویز (۱۳۶۸)، **جمعیت‌شناسی و بازسازی نیروی انسانی**، تهران، اتا.

«تاریخچه و اوضاع مهاجران ترک در آلمان»، در: سایت همشهری آنلاین، ۱۳۹۰/۱/۱۴.

تافلر، آلون (۱۳۸۹)، **موج سوم**، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چ نوزدهم، تهران، فرهنگ نشر نو.

«ترس آلمان از مهاجران مسلمان ترک»، در: سایت شیعه آنلاین، ۱۳۸۹/۸/۱۷.

«چرا غرب برای ایران کاهش جمعیت را توصیه می‌کند»، در: سایت مشرق‌نیوز، ۱۳۹۱/۵/۵.

حسینی‌طهرانی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۳)، **رساله نکاحیه یا کاهش جمعیت؛ ضربه‌های سهمگین بر پیکر مسلمین**، تهران، پرتو دانش.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۶)، **توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

«روش‌های مهاجرت به کانادا»، در: www.westpass.com.

زلینسکی، ویلبر (۱۳۷۰)، **مقدمه‌ای بر جغرافیای جمعیت**، ترجمه فیروز جمالی، تهران، سمت.

سوری، علی و رضا کیهانی حکمت (۱۳۸۴)، **متغیرهای جمعیتی، هزینه‌های دولت و رشد اقتصادی**، در: مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

«شعار آرمانی خروج کارکنان دولت از تهران تا اجرای ناموفق آن»